

خلاصه قوانین کتاب نخست

فاطمه داوری

افلاطون کتاب قوانین را در اواخر عمر نگاشته و آنچه میتوان از مفاهیم موجود در آن گفت این است که قوانین خلاصه ای از آرا و عقاید افلاطون است که در سایر رسالات به خصوص جمهوری آمده است. ماجرای گفتگو این بار در همسفری سه نفر که هر کدام اهل شهری هستند رخ میدهد. یکی آنتی که گویی همان سقراط سایر رساله هاست، فردی به نام گلینیس و فردی به نام مگیلوس. آنتی از سایر دوستان از سرچشمه قوانین میپرسد و آنان قوانین را به زئوس و آپلون که نمایندگان خدا هستند منتسب میکنند. سپس میرسد که قوانین بر چه اساسی نوشته شده و حافظ چیست و همراهان قوانین را حافظ کشورها در مقابل دشمن میشمارند. آنتی میگوید: آیا کسی که بتواند خانواده یا ملت خوب و بد را کنار یکدیگر در حالت آشتی نگهدارد موفقتر است یا کسی که با جنگ این کار را میکند؟ کدام حاکم بر دیگری است: خوبی که بدها را بکشد یا خوبی که بدها را با وضع قوانین مدیریت کند؟ با اینکه دو همسفر پاسخشان بر حالت آشتی و مدیریت با قوانین است، اما از موضع خود که قوانین برای جنگ وضع شده است، کوتاه نمی آیند و به خصوص غذاخوری و ورزشگاه همگانی را مصداق قوانینی میدانند که بی شک آماده کننده افراد برای جنگ است. آنها دو نوع جنگ را بر میشمارند: جنگ خارجی با دشمن خارجی و جنگ داخلی که بر اساس دشمنی افراد کشور یا جنگ قوای درونی خود ایشان روی میدهد. همراهان مجاهدی که در جنگ خارجی است را برتر میدانند اما آنتی جنگجوی داخلی را شجاع میداند که می ایستد و اسیر فریبها نشده بر ناخود غلبه می یابد. او سپس میگوید: قوانین تنها ناظر بر فضیلت شجاعت نیست بلکه عدالت، دانایی و خویشتنداری را نیز مورد نظر خویش دارند. و شجاعت بدون این موارد نمیتواند تأثیر زیادی داشته باشد.

در ادامه با اشاره به اینکه باید ویژگیهای اخلاقی به اعتدال باشد و نیز فقط بر یک ویژگی تأکید نگردهد، شجاعت در کشتی رانی بدون داشتن علم و یا برعکس را مفید نمیداند و نیز کسی را که هم با شجاعت و هم با خویشتنداری در برابر درد و لذت می ایستد را می ستایید. سپس به تعریف تربیت می پردازند آنتی تربیت را تمرین دادن افراد از کودکی برای حرفه ای خاص می شمارد و میگوید: کودکی که قرار است کشاورز شود، از ابتدا باید با ادوات کشاورزی برایش اسباب بازی ساخت. همچنین در توضیح بیشتر معنای تربیت میگوید: کسی که در ویژگی خاصی موفق نیست و استعداد ندارد را نباید فاقد تربیت بدانیم بلکه بی شک او در امری دیگر استعداد دارد و تواناست. مثلاً کسی که سخنور خوبی نیست نباید فاقد تربیت بدانیم بلکه شاید او در کشتی رانی ماهر باشد. همچنین مردانی را ماهر میدانند که بر خویش غلبه و اختیار دارند.

آتنی سپس به تعدیل نگاه منفی به بعضی لذتها می پردازد و منافع آنها را روشن میسازد. میگساری که در کشور همراهانش قبیح شمرده میشود را باعث زیاد شدن تهور و جرأت میداند. آنها بحث را در انواع ترس پی میگیرند که یکی ترس از سختی خود کار است و دیگری ترسی که از نگاه دیگران به آنها پدید می آید(دو ترس متضاد) و جایگاه ترس دوم که شرم باشد را بالاتر میدانند و خلاف آن را بی شرمی می‌شمارند و این ترس را سبب ماندن در میدان جنگ شمرده بر آن تکیه میکنند. آتنی تربیت کسی که میخواهیم شجاع و خویشتندار(با شرم) باشد را با دادن موقعیت بی شرمی و عادت دادن او به حفظ خویش در آن حالت میسر میداند. آتنی عوامل موجد ترس نوع دوم را که باعث خاموش شدن «خود» در انسان میشود: خشم، شهوت، نادانی، طمع، توانگری و زیبایی و هر لذتی غافل کننده از خود میداند. او ادامه میدهد که برای شناخت حد تربیت افراد بهتر است قبل از سپردن وظیفه سخت و حیاتی به آنها، با آنها به مجلس باده گساری بنشینیم تا به حد خویشتنداری آنها پی ببریم. البته حواسمان باشد که در این کار از جاده اعتدال خارج نشویم. او در انتها تربیت و پرورش روح آدمی را وظیفه هنر سیاست و سیاستمداران جامعه میداند. و این مقدمه ای برای ورود به مقاله دوم میگردد.

تحلیل محتوا: در رساله های قوانین سه فرد دانشمند و کهن سال از سه شهر متفاوت با یکدیگر به بحث مینشینند که نسب به سایر کهن سالان، تعصب کمتری دارند و تقریباً منطقی با یکدیگر برخورد میکنند هر چند در جایی مثل دلیل وضع قوانین که دو نفر آن را به جنگ میدانند موضع تعدیل نمیشود. آتنی هر جا احساس میکند بحث کردن نتیجه ای که میخواهد، ندارد، میگذرد. بحثها کلی است و ریشه ای و در صفات اخلاقی. آتنی میگوید خوب است که جوانی نیست چون حق اظهار نظر در قوانینی که منبع الهی دارد را برای جوانان که احتمالاً علم ندارند قائل نیستند. این نشان میدهد که نگاهی مقدس گون به قوانین حاکمه غالب بوده و کمتر کسی را شایسته نقد آنها میدانسته اند. حواشی و مثالهایی که برای قانع کردن افراد در رساله های قبلی آورده میشود در این کتاب بسیار کمتر است.